



یک ربع به  
جمعه

ضمیمه نوجوان

شماره ۲۷ خرداد ۱۴۰۰

نوجوان  
باز



سید سپهر  
جمعه زاده



گردآوری  
فاطمه کریمی

دیالوگ

## کشیف کاری

اندکی از مرد که خیلی از ماشین دور نشده عبور می‌کند.  
سومی: مثل این که تو هم باهاش کنار نیومدی.

فکر می‌کنم باهاش خوب کنار اومدم. سعی کردم زیرش بگیرم.



دوربین تاکسی را رها می‌کند و سراغ مرد می‌آید. گوشی‌اش زنگ می‌خورد. صدایی از پشت تلفن می‌گوید: آقای برجی، همه کشاورزا رو راضی کردم زمین هاشون رو مفت از چنگشون درآوردم. آماده ساخت وسازیم. چی دستور می‌دید؟



۹۷ درصد آدمایی که زود تسلیم میشن، به استخدام ۳ درصد آدمایی که هرگز تسلیم نشدن درمیان. بازی خیلی ساده است. شیوه بازی اینه که باید پولارو از جیب مشتریات به جیب خودت انتقال بدی. صدای پشت گوشی: البته خب خیلیا می‌گن این از بین بردن جنگل و زمین کشاورزی برای محیط زیست خوب نیست.



پول هم مثل اکسیژنه. من می‌خوام بیشتر از هرکس دیگه ای نفس بکشم.

عصر همان روز / داخلی / تاکسی  
راننده (با بازی ایذاک در فیلم منهن) سیگاری روشن می‌کند.  
مرد مسافر با عصبانیت به او نگاه می‌کند.



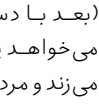
راننده: من اساسا سیگار نمی‌کشم. دودش رو هم تو نمیدم. چون می‌دونم سرطان می‌گیرم. اما اون قدر سیگار به لب، خوشگل میشم که نمی‌تونم جلوش طاقت بیارم.



مرد کارا کتردی کاپریو در فیلم گرگ وال استریت: تو می‌تونی ولی اگر غیر از این فکر می‌کنی، حرفم رو پس می‌گیرم.



سومی: اتفاقا تصمیم داره ترک کنه. تصمیقات تو بدون «اقدام»، هیچی نیستن. فقط تصمیم باقی می‌مون.



(بعد با دست نشان می‌دهد که می‌خواهد پیاده شود. راننده کنار می‌زند و مرد پیاده می‌شود.)



سومی: عجب احمقی بودا. هزار چندگاهی با آدم‌های احمق ملاقات کن. می‌تونی به چیزایی یاد بگیری. این را می‌گویند و با فاصله

مرد کارا کتردی کاپریو در فیلم شاتر آیلند: کدوم بدتره؟ زندگی کردن مثل یه هیولا، یا مردن مثل یه مرد



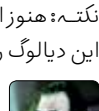
من هیولا نیستم. فقط از زمنه جلوترم!



مرد کارا کتردی کاپریو در فیلم قاتلان ماه کامل: می‌زنم می‌کشم تا بچه.



نکته: هنوز این فیلم بیرون نیومده اما این دیالوگ رو زودتر حدس زدیم.



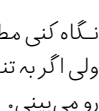
با تمام قدرت هیچ کاری نمی‌تونی انجام بدی. چون چیزی نداری تا باهاش من رو تهدید کنی.



مرد کارا کتردی کاپریو در فیلم از گور برگشته: اگه جلوی یه درخت ایستاده باشی و به شاخه‌هاش



نگاه کنی مطمئنی داره سقوط می‌کنه. ولی اگر به تنه‌اش نگاه کنی، استوار میشی رو می‌بینی. جوکر سریع آنجا را ترک می‌کند.

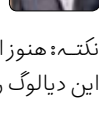


## فیلمنامه ای به بهانه محیط زیست

ظهر / داخلی / جلوی رستوران  
مرد متوجه کسی کارا کتردی کاپریو در فیلم شوالیه تاریکی می‌شود که جلوی رستورانش آشفال می‌ریزد. بیرون می‌رود و با چهره عصبی به تابلویی که روی آن نوشته «لعنت بر کسی که اینجا آشفال بریزد» اشاره می‌کند.



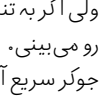
جوکر: با این قواعد دست و پای خودت رو بستنی و فکر می‌کنی باعث نجات توئه.



مرد کارا کتردی کاپریو در فیلم الماس خونین: بعضی وقت‌ها این سوال برام پیش میاد که خدا ما رو به خاطر بلاهایی که سر هم میاریم می‌بخشه؟



پاکبان (با بازی پدرخوانده) که دارد آشفال‌ها را از روی زمین جمع می‌کند: از خدا به خاطر بارون متشکرم چون آشفال‌های توی پیاده‌رو رو می‌شوره.



مثل اون‌ها صحبت نکن. تو مثل اونا نیستی حتی اگر بخوای باشی.

## مسخره یعنی...

حرف بزنی. / نرگس ترمه باف از اصفهان  
گوشیتو بزنی به سه‌راه برای شارژ بعد دوساعت بفهمی اصلا سه‌راه به برق نبوده. / نازنین نوروزی از مشهد  
تا اینستا رو باز می‌کنی، با قاشق چنگال مواجه میشی. /

محدثه جلیلی از قم  
طبیعت مون مثل سطل زباله باشه. / بیتا متین کیا از

تهران  
گوشیتو برای امتحان بذاری تو شارژ ولی بفهمی برق‌ها رفته و گوشیت شارژ نشده! / معصومه سادات رضوی از یزد

تو بازی مافیا، مافیا بیفتی بعد تک تیرانداز شب اول بزنت. / یوسف دلیری از سبزوار

به عالمه ظرف بشوری و هی بیارن بذارن تو سینک. / فاطمه رضایی از زاهدان

تویی که کلی درس خوندی و تقلم نمی‌کنی و میشی ۱۷، دوستت که نمیدونه اصلا امتحان چی داریم و میشه ۲۰. / فاطمه زهرا سبحانی از تهران

موقع آلودگی هوا فقط دبستانی‌ها رو تعطیل کنند و فکر کنن ما آبشش داریم. / فرناز شمس کیا از

خمینی شهر اصفهان  
به شدت خوابت بیاد ولی نتونی بخوابی. / فاطمه

حجت انصاری از تهران  
معلمی که فکر می‌کنه با کم کردن زمان امتحان بچه‌ها تقلب نمی‌کنن. / کوثر سعید فر از دزفول

تفریح نکن مگه کنکور نداری. / مبینا یگانه از شیریار

وسط حرف زدن یادت بره چی می‌خواستی بگی. / مهدیه

بهشتی‌فر از تهران  
بوی پیتزا بیاد ولی سوپ داشته باشیم. / فاطمه رحیمی

از تهران  
مدام باید به یه ربات ثابت کنی ربات نیستی. / ریحانه

کرباساف از تهران  
توی خیابون یک نفر رو اشتباه بگیر و باهاش کلی سلام و احوالپرسی کنی. / مهیار گل محمدی از تهران

این که ازت یه سوالی بپرسن ولی تو در مورد علایق خودت



بازهم یک اتفاق جدید در نوجوانه. در این ستون هربار یک جمله به شما می‌دهیم که می‌توانید آن را تکمیل کنید. مثلاً این شماره از گفتیم: «مسخره یعنی...». این هم جملات باحال هم سن و سال‌های شماست:

بری گوشیتو از شارژ بکشی ببینی اصلا تو شارژ نبوده. / فاطمه زارعی از زرنده کرمان

یک دونه تخم مرغ برای صبحانه داشته باشی اونم بسوزونی. / حنا محمدی از کرکج

با عینک دودی توی اتاق عکس بگیر. / زهرا نقوی از همدان

تولد تو تبریک بگن، تو هم از سر تعارف هول بشی و بگی تولد شما هم مبارک. / فاطمه جاوری از اصفهان

درست وقتی در راه رسیدن به هدف هامون بودیم کرونا اومد و لگد زد به تمام برنامه هامون. / سارا ماندی زاده از اصفهان

ازت بپرسن تجربی هستی یا ریاضی؟! / مائده راجی از تهران

نوجوونیت رو به خاطر یه ویروس توی خونه سر کنی. / زینب گلزاری از تهران

میخوای وارد مغازه بشی ولی از بس شیشه مغازه تمیزه، با شیشه‌اش یکی میشی. / سحر اکبری از آرد فارس

وقتی زندگی کوتاهه، سخت بگیر. / نگار جعفری از تهران

درس‌هایی وارد مغزت بکنی که در آینده حتی به دردت هم نمیخورن. / پانیذ بدیعی از تهران

یک سال تمام مجازی درس بخونی ولی حضوری امتحان بدی. / فاطمه حسن زاده از تهران